



۹۰۰۸۱

۹۰۰۸۱

دانشگاه تربیت معلم تهران
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه حقوق و علوم سیاسی
پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد

رشته :

علوم سیاسی

عنوان :

اندیشه های سیاسی آیت الله ابوالقاسم کاشانی

استاد راهنما:

دکتر سرمدی

استاد مشاور:

محمد مهدی عبد خدایی

نگارش :

حیدر امیدی

زمستان ۱۳۸۶

کتابخانه اساتید و محققان
تربیت معلم تهران

۱۳۸۷ / ۲ / ۱۱

۱۳۸۷ / ۳ / ۱۱

۹۵۵۱۱

تقدیم

تقدیم به ساحت مقدس منجی عالم بشریت حضرت
بقیه اله (عج) که همواره در انتظارش هستم .. و به
روح ملکوتی پدر شهید سرفرازم و مادرمهربان
و دلسوزم که دعای خیرش همیشه نثارم بوده و
همسر عزیزم اعظم که بهترین یاریگر و مشوق من
در کسب علم و دانش بوده و به خواهر خوب
و عزیزم خدیجه و به همه کسانی که طالب و دوست
دار علم و دانش می باشند.

سپاس و قدردانی

خدای را سپاسگزارم که به این کمترین ، منت نهاد تا بتوانم در مسیر ژرف و ناپیدای علم و دانش در جهت خدمت به بندگانش در این مقطع دانشگاهی گامی بردارم ؛ و پس از آن بر خود لازم می دانم مراتب سپاس و قدردانی خود را از استاد راهنمایم جناب آقای دکتر سرمدی که مرا در انجام این تحقیق بخوبی هدایت نمودند و استاد مشاورم جناب آقای دکتر محمد مهدی عبدخدایی و دیگر استادان معززی که در محضرشان کسب علم و معرفت نموده ام ؛ و عزیزانی که به هر نحو ممکن مساعدت لازم داشته اند ؛ ابراز داشته و از خداوند سبحان تقاضا دارم طریق پیمودن علم را برایم هموار و من نیز رهروی خوبی در این مسیر باشم .

چکیده:

در این پژوهش کارنامه عملی آیت الله کاشانی در عرصه سیاست و جهاد، که خود آفتابی است دلیل آفتاب و هر صاحب اندیشه مروّتی را به تجلیل از او برخواهد انگیخت که از مناصب و نعمات دنیوی، همه متاعی توانست داشت و همه را در راه اعتلایه فرهنگ و زندگی مردان خویش، به بازار ایثار و ایمان آورد. هدف ما در این تحقیق اندیشه آیت الله کاشانی را مستقل از عملکرد و واقعیت‌های سیاسی بررسی کرده ایم و به اندیشه و ایده ایشان نسبت به مسائل و واقعیت‌های سیاسی دوران خود مشخص ساخته ایم. که آیت الله کاشانی علاوه بر اینکه دارای نو اندیشی بوده بلکه به رابطه و تعامل بین دین و سیاست با توجه به آن دوران که مخالف پیوند دین و سیاست بودند، پرداختند.

فهرست مطالب

مقدمه :

- * بخش اول: تاریخچه و فعالیتها و اصول کلی نظرات سیاسی آیت الله کاشانی..... ۱
- فصل اول : زندگینامه سیاسی آیت الله کاشانی..... ۲
- فصل دوم : آیت الله کاشانی و رابطه بین دین و سیاست ۲۴
- فصل سوم : آیت الله کاشانی و استعمار ۳۸
- فصل چهارم: آیت الله کاشانی و انتخابات..... ۶۳
- * بخش دوم : دیالکتیک اندیشه و عمل آیت الله کاشانی ۷۲
- فصل اول : لزوم ملی شدن صنعت نفت و آیت الله کاشانی ۷۳
- فصل دوم : آیت الله کاشانی در تقابل با کمونیست ۸۵
- فصل سوم : کاشانی و مسئله سلطنت مشروطه ۹۰
- فصل چهارم : اسلام گرایان (فدایان اسلام) و آیت الله کاشانی ۹۵
- فصل پنجم: کاشانی و مسائل و سیاستهای کشورهای اسلامی ۱۰۵
- نتیجه: ۱۲۳
- منابع : ۱۲۷

چهره برخی از شاخصترین منادیان استقلال و آزادی این مرزوبوم، در غرباری از فراموشی، از یادها رفته است. معدودی هم که در جریان تبلیغات رسانه ای وبه شکلی مناسبی و سالی یک بار، به بررسی زندگی و سیره عملی آن پرداخته می شود، از این نقصان، بهره کافی وانی برده اند و نگاه رایج و کلیشه ای و از سر ادای تکلیف به اندیشه و عمل آنها، بحق امکان واکاوی بازگونه از سیره عملی و اندیشه های آن را به نیکی فراهم آورده است.

ما بر این باوریم که مروری کوتاه به کارنامه عملی مرحوم آیت الله کاشانی در عرصه سیاست و جهاد، خود آفتابی است دلیل آفتاب و هر صاحب و مروتی را به تجلیل از او بر خواهد انگیخت که از مناصب و نعمات دنیوی، همه متاعی توانست داشت و همه را در راه اعتلای فرهنگ و زندگی مردمان خویش، به بازار ایثار و ایمان آورد، بی چشمداشت سیاسی که در زمان بی مهریها و تهمت‌ها، همانی بود که در دوران ریاستهایی که تنها کودکان را دلخوش می سازد و مردان خدا را با این بازیچه ها کاری نیست و آنچه می کنند از برای خشنودی آن یگانه ای است که نه فراموشی را به ساحت او راهی است و نه مجاهدان در راه خویش را تنها می گذارد.

بر این سان، بایسته و شایسته آن است که راه و رسم و رفتار و کردار آن مبارزه نستوه، و آن عالم با فضیلت، و آن استوار مرد شکست ناپذیر، که آئینه تمام نمای تجلی گاه آیین دینی - ملی ماست، از سر عبرت نگریسته شود.

این فرزانه مرد و این عالم جلیل القدر و این یکه تاز عرصه دین و سیاست، که با دست خالی، با عوامل بیگانه در افتاد؛ و با کمال تأسف، غریبانه زیست؛ و در گوشه انزوا، دنیایی فانی را وداع فرمود، در تمام طول مبارزات، جز تعدادی اندک، از همپرازان او، و تنی چند، از مردم کوچه و بازار، که عرق دینی - وطنی داشتند، یاریش نکردند.

مرحوم آیت الله کاشانی پس از سالها مبارزه علیه استعمار انگلیس در عراق، پس از ورود به ایران و مشاهده برخی از سرخوردگیهای ناشی از وقایع تلخ مشروطه در میان علما و روحانیون و عدم تمایل آنان نسبت به حضور در عرصه های سیاست و مبارزه، با ایجاد یک جریان فکری و تبلیغی پرتنر، آنان را به بازگشت به میدان مجاهدت در راه استقلال و آزادی کشور فراخواند و به طور نسبی، این منطق را تثبیت کرد که اگر عالمان و زعمای قوم نسبت به امور سیاسی بی تفاوت

بمانند، میدان را برای ترکتازی استعمارگران و ایادی داخلی آنها باز خواهند گذاشت. او در مقطعی که بسیاری از علمای و متدینین، به پدیده های سیاسی حتی علمی دنیای جدید به دیده تردید و حتی انکار می نگریستند و اقبالی به مباحثی چون انتخابات و پارلمانتاریسم نداشتند. با تلاشی مجدانه به تبیین و تفسیر این پدیده ها پرداخت و از طعنه طاعنان نهراسید. سعی و تلاش و کوشش آیت الله کاشانی، در امر مبارزه با استعمار، و پیگیری سر سخنان اش، در امر ملی کردن صنعت نفت، و افشای جنایات و خیانت های بیگانگان، و احقاق حقوق مردم خود، همه را، یک وظیفه دینی - وطنی محسوب می داشته است. حماسه ای که او پرچمدار آن بود، انقلابی برپا کرد، که همه ایادی و عمال استعمار، در دلهره و وحشتی بی مانند افتاد؛ که هر کدام، از سویی و هریک، از جهتی، سنگ اندازی را شروع کردند. حزب توده، از یک طرف. عمال و جیره خواران، از یک طرف. و افراد لامذهبی که اصولاً، از جنس آیت الله ها خوششان نمی آمد، از طرف دیگر. و سیاست پنهانی و مرموز دولت مردان آن روزگار، هم کمک کرد. و همه و همه، در یک هجوم ناجوانمردانه، آیت الله کاشانی را، از صحنه سیاست دور کردند.

در این تحقیق اندیشه های سیاسی آیت الله کاشانی را مستقل از عملکرد و واقعیت های سیاسی بررسی نموده ایم و به اندیشه و ایده ایشان نسبت به مسائل و واقعیت های سیاسی مشخص ساخته ایم. سؤالی که ما در نظر داریم: بازاندیشی افکار سیاسی آیت الله کاشانی و تأثیر در روند سیاسی کشور در آن دوران چگونه بوده است؟

آیت الله کاشانی علاوه بر این که دارای نو اندیشی بوده بلکه به رابطه و تعامل بین دین و سیاست با توجه به آن دوران که مخالف پیوند بین دین و سیاست بودند پرداختند.

هدفی که ما در این پژوهش دنبال می کنیم این است، که به پویایی و جوه سیاسی اندیشه آیت الله کاشانی پردازیم، تا از این رهگذر آن مشخص نماییم که چگونه بسیاری از مسائل جاری مملکت ما از جمله مسائل حکومتی را در پرتو این اندیشه می توان تجزیه و تحلیل نمود.

روشی که بر این تحقیق اجرا شده روشی کتابخانه ای که بر مبنای کتب و مجموعه ای از شواهد تاریخی و مقالات برجای مانده از محققان صاحب نظر استفاده شده است.

این پژوهش را در دو بخش تنظیم نموده ام :

در بخش اول تاریخچه و فعالیتها و اصول کلی نظرات سیاسی آیت الله کاشانی را در چهار فصل تنظیم کرده ایم که در فصل اول زندگی نامه سیاسی او پرداخته و در فصل دوم به رابطه دین و سیاست از دیدگاه کاشانی بررسی شده و در فصل سوم به دیدگاه آیت الله کاشانی در باره استعمار مشخص نموده ایم، و در فصل چهارم این تحقیق نظرات آیت الله کاشانی در خصوص انتخابات را مورد بررسی قرار داده ایم .

در بخش دوم این پژوهش به بررسی دیالکتیک اندیشه و عمل آیت الله کاشانی پرداخته شده که آن را به پنج فصل تقسیم بندی شده است.

در فصل اول این بخش در خصوص ملی شدن صنعت نفت می باشد و در فصل دوم به بررسی دیدگاه آیت الله کاشانی در تقابل با کمونیست پرداخته شده، و در فصل سوم مسئله سلطنت مشروطه از نظر کاشانی مشخص نموده ایم و در فصل چهارم هم در باب اسلامگرایان مبارز و یا فداییان اسلام و رابطه آنها با آیت الله کاشانی مورد بررسی قرار گرفته. و در فصل پنجم به بررسی دیدگاه آیت الله کاشانی در مورد مسائل سیاسی کشورهای اسلامی پرداخته شده است. و در آخر نیز هم نتیجه گرفته شده از این پژوهش را در چند سطر مشخص نموده ایم. در پایان نیز هم از کسانی که ما را در این پژوهش یاری نموده اند کمال تشکر و قدردانی را می نمایم.

• **بیش اول: فرضیه اصول اندیشه سیاسی آیت الله کاشانی**

فصل اول: زندگینامه سیاسی آیت الله کاشانی

فصل دوم: آیت الله کاشانی و تعامل بین دین و سیاست

فصل سوم: آیت الله کاشانی و استعمار

فصل چهارم: کاشانی و انتخابات

فصل اول:

زندگینامه سیاسی آیت الله کاشانی

زندگانی پرافتخار روحانی مبارز و عالیقدر تشیع سید ابوالقاسم کاشانی (ره) شباهت عجیبی با جابر بن عبدالله، صحابی بزرگ پیامبر اسلام و اهل بیت او علیهم السلام دارد که خود نیز از سلاله آنان بود. او از همان ایام جوانی در رکاب پدر به مبارزه و جهاد علیه دشمنان پرداخت شهادت، پدرش در جنگ و جهاد، نه تنها او را دلسرد نکرد بلکه وی را پر شور تر و با اراده تر از پیش در صف نخست جهاد با انگلیس قرار داد حیاتی که انقلاب اسلامی عراق به رهبری میرزامحمد تقی شیرازی سهم عمده ای از پیروزی خود را مدیون مبارزات او بود. آیت الله کاشانی درد ملت و دیانت را به خوبی می فهمید و چاره کار را نیز می دانست. از همین رو به عنوان دشمن قسم خورده استعمارگران سالها حبس و تبعید و آزار به جان خرید و انگلیسها را در عراق و ایران با شکستهای سهمگینی مواجه کرد. در واقع حوادث سرنوشت ساز بسیاری در زمان او رقم خورد بویژه پایداریهای وی در پارلمان، رنگ و بوی بازگشت به اصلتهای مشروطه را داشت. آیت الله کاشانی گر چه خود روحانی عالم و وارسته ای بود که شأن مرجعیت یافته بود اما هیچگاه رساله ای ارائه نداد بلکه او در کوران مبارزات ملت ایران در مقابل استبداد و استعمار، خلائی احساس می کرد که تلاش در راستای پر کردن آن را هیچ کمتر از موقعیت اجتهاد دینی نمی دانست، رهبری و زعامت سیاسی - دینی مردم ایران و پرداختن به مسائل مربوط به مجلس شورای ملی در آن زمان

نقشهایی پر مخاطره و حساستری به شمار که به سرنوشت ملت و دیانت مربوط می شد و چه بسا کوتاهی و اهمال در آن اثری از ایران و اسلام باقی نمی گذاشت به همین مناسبت بسیاری از رویدادهای مهم این دوره تاریخ معاصر ایران با مجاهدات و مبارزات آیت الله کاشانی گره خورده است و در حقیقت تشکیل جبهه گسترده مستحکمی از گروهها و شخصیتهای مبارز در مقابل استعمار و استبداد مرهون رهبریها و مجاهدات اوست . فدائیان اسلام که فقدان محسوسی در مبارزات یک ملت محسوب می شود ، در واقع در سایه هدایتها و حمایتها ی او راه و روشی کار ساز و ارزشمند در پیش گرفتند همچنین جبهه ملی در کنار وی احساس اصالت و استواری می کردند . از سوی دیگر دولتهای فرمایشی شاه نیز از حضور او در هراس بودند در واقع وجود شخصیتی همچون آیت الله کاشانی بود که تصویب قراردادهای استعماری مانند قرارداد ننگین گس-گلشائیان در مجلس وجود نداشت . و در این دوره بود که ترور هژیر وزیر دربار شاه ، استعفای منصور از نخست وزیری ، ترور رزم آرا نخست وزیری نظامی و مستبد شاه توسط فدائیان اسلام و پیروزی مردم در ملی شدن صنعت نفت رویدادهای مهمی بودند که شاه و اربابان او را به ناکامی انداخت . پیروزی های ملت ایران در مقابل انگلیس توسط رادیوها و روزنامه های سراسر جهان مورد تفسیر قرار می گرفت و عموم آنها آیت الله کاشانی را رهبر بلا منازع این رویداد ها معرفی کردند .

و اما آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی ، در سال ۱۲۶۴ هجری شمسی دیده به جهان گشود و در ۲۳ اسفند ماه

سال ۱۳۴۱ در تهران از چهره های درخشان تاریخ معاصر ایران ، عالم روحانی سیاسی

شیعه ، مجتهدی وارسته و مبارزی نستوه که سالهای پر برکت عمر خویش را در راه خدمت به مسلمانان جهان صرف نمود .

نسبت آیت الله کاشانی به چند واسطه به جناب امامزاده یحیی مدفون در تهران می رسد و نسبت امامزاده یحیی هم به چند واسطه به امام زین العابدین علیه السلام منتهی می گردد . اجداد و نیاکان آیت الله کاشانی تا امام چهارم همه از علما و شرفا و اجاللی سادات بوده اند.^۱

۱ - مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات روحانی مبارز آیت الله سیدابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد ، تهران ، ۱۳۷۹ ، صفحه ۱۱

سید ابوالقاسم در این خانواده روحانی تحت تعلیم والدین متدین و فهیم پرورش یافت و در نزد پدر خود و علمای بزرگ عتبات، مقدمات و سطوح را به پایان رساند، با راهنمایی پدر و اشتیاق درونی بالقوه ای که به علوم دینی داشت به جمع پر حرارت جلسه ی درس طلاب پیوست و با استعدادی کم نظیر در کمال موفقیت، دروس حوزوی خود را پشت سر نهاد اما کسب علم و دانش هرگز او را از دیگر مسائل روز باز نداشت. این فرزند راستین اسلام که از مکتب وحی درس قیام علیه ستمگران و مبارزه با استعمار گران را آموخته بود، با مشاهده ی وضع اسفبار ایران و دیگر کشورهای مسلمان ستمدیده، همواره در صدد آن بود که خواب راحت را از چشم بیدادگران داخلی استعمارگران خارجی بریاید.

این عالم جلیل القدر در ۱۶ سالگی در خدمت پدر بزرگوارش مرحوم آیت الله حاج سید مصطفی کاشانی به قصد حج بیت الحرام به عراق و از آنجا به مکه معظمه مشرف و پس از انجام مناسک حج مجدداً به عتبات مقدسه مراجعت کرده و در نجف اشرف که مرکز علم و ادب و دیانت مسلمین شیعه است، اقامت گزید علوم مختلفه دینی را در محضر والد معظم خود و آیت الله آخوند خراسانی و آیت الله حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و سایر علما تحصیل نمودند.^۱

مقام علمی آیت الله کاشانی :

آیت الله کاشانی در ۲۵ سالگی به درجه اجتهاد نائل گردید. مرتبه علمی و اجتهاد وی آنچنان مورد تأیید و تصدیق علمای نجف بود که آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی مرجع بزرگ تشیع، برخی از موارد استفتائات خویش را برای اظهار نظر به وی ارجاع می داد. البته جنبه ی مبارزاتی و سیاسی ایشان سبب شد که بعد علمیش پوشیده بماند و سیمای وی در پشت گرد و غبار سیاست پنهان گردد. گذشته از جنبه ی مبارزاتی آیت الله کاشانی، همگامی او با مراجع تقلید، مانند: آیت الله سید صدر الدین صدر (پدر آقا موسی صدر) آیت الله شیخ فتح الله معروف به الشریعه اصفهانی، آیت الله آقا ضیاءالدین عراقی و به علاوه مرحوم آیت الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی قابل توجه است، درباره مقام علمی آیت الله کاشانی مکاتباتی از علمای بزرگ در این زمینه وجود دارد که از جمله این مکاتبات، متن نامه مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی است که از نظر می گذرد:

« عرض می شود و حضرت مستطاب رکن الملة والدین عمده المجتهدین، حجة السلام والمسلمین آقای حاج میرزا ابوالقاسم کاشانی دامت برکاته الشریف که وجودشان از برای مسلمین خیلی مغتنم است، به طهران مدتی است تشریف آورده اند، به محض اطلاع اخوان المؤمنین و فقههم الله نعالی المرضیة لازم شد بدانند وجود مسعود شریف از هر جهت شایسته و به صفات حمید آراسته و در دریافت و درستکاری قلیل النظیر هستند، احکام شرعیه ایشان نافذ و مطاع و تسلیم حقوق شرعیه و سهم امام علیه السلام خدمتشان محتاج به استیذان نیست و تأیید دین مبین و تقویت شریعت حضرت سید المرسلین صله الله علیه و آله الطاهرین می باشد، البته اخوان المؤمنین و کافه متدین وجوه محترم آن جناب را مغتنم وابسته و در خدمت معظم له ذره ای مسامحه نخواهند نمود، ان شاء الله و تعالی و السلام علیک و رحمته الله و برکاته ». مراتب علمی و اجتهاد آیت الله کاشانی آن چنان مورد تأیید

مراجع علمی نجف بود که علمای بزرگی چون آیت الله شیخ فتح الله اصفهانی، آیت الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت الله سید اسمعیل صدر در نامه های خود به تفضیل از مقام علمی ایشان تجلیل کرده اند.^۱

تأسیس مدرسه علوی :

از جمله اقدامات آیت الله کاشانی در نجف، تشکیل یک مدرسه جدید به نام مدرسه علوی است که اراده امور آن را شخصاً به عهده گرفت، در این مدرسه علاوه بر علوم و معارف اسلامی، معلمین و استادانی برای رشته های مختلف از قبیل ریاضیات و حتی تعلیم فنون نظامی و غیره به کار گرفته شدند، تا استقبال عظیمی که از این مدرسه به عمل آمد، عده ای از روحانیون زمزمه مخالفت را آغاز کردند و آن را عامل انحراف فرزندان و جوانان می دانستند و آنها صلاح مصلحت را به این می دانستند که مدارس به همان علوم مذهبی اکتفا کنند، آیت الله کاشانی در جواب آنها می فرمودند که اسلام طلب علم را واجب دانسته و علم منحصر به علوم مذهبی رایج نیست و مسلمین باید از کلیه علوم زمان خود به حد اعلی بهره مند باشند. آیت الله با این بیانات، حقانیت و لزوم این قبیل مدارس را بیان می کند.^۲

در سال ۱۳۳۲ هـ ق در جنگ بین الملل اول موقعی که قوای استعمارگر انگلیس به عراق حمله کرد، علمای بزرگ برای دفاع از سرزمین اسلامی عراق، فتوای جهاد دادند، نیروهای ملی به رهبری علما و از جمله پدر آیت الله کاشانی و خود وی قیام کردند و این جهاد، چهارده ماه به طول انجامید این مجاهد عالیقدر طی سالهای اقامتشان در عراق، هرگز از مسایل و معضلات ممالک استعمار زده اسلامی خصوصاً ایران غافل نشد و همواره سعی بر آن داشت که در راستای پیشبرد اهداف و مقاصد اسلام و احقاق حق ملت مسلمان گامهائی اساسی و بنیادین بردارند.

۱- حمید کرمی پور، خاطرات دکتر شروین، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴ صفحه ۲۸-۲۹

۲- پیشین، صفحه ۳۰-۲۹

در سال ۱۳۳۲ هـ ق در جنگ بین الملل اول موقعی که قوای استعمارگر انگلیس به عراق حمله کرد ، علمای بزرگ برای دفاع از سرزمین اسلامی عراق ، فتوای جهاد دادند ، نیروهای ملی به رهبری علما و از جمله پدر آیت الله کاشانی و خود وی قیام کردند و این جهاد ، چهارده ماه به طول انجامید این مجاهد عالیقدر طی سالهای اقامتشان در عراق ، هرگز از مسایل و معضلات ممالک استعمار زده اسلامی خصوصاً ایران غافل نشد و همواره سعی بر آن داشت که در راستای پیشبرد اهداف و مقاصد اسلام و احقاق حق ملت مسلمان گامهایی اساسی و بنیادین بردارند . در حوالی سالهای ۱۲۸۵ هـ ش که جنبش مشروطه ایران شکل گرفت ، هر چند ایشان در وطن خویش حضور نداشت و بطور مستقیم وارد نهضت نشد ، ولی سمت مشاورت شخصیت چون آیت الله آخوند خراسانی را بر عهده داشت که در این انقلاب ، نقشی بس بزرگ را ایفا نمود .

هنگامی که قرارداد ۱۹۱۹ م امضا شد ، آیت الله کاشانی با همکاری علمای بزرگ و عشایر عربی بر ضد این قرارداد قیام کرد و فتوای جهاد داد و علیه نیروهای استعماری اشغالگر به جنگ پرداخت و خود نیز با همدرس و همفکرش مرحوم آیت الله آقا سید محمد تقی خوانساری سلاح بر داشته و به میدان جنگ رفتند. آیت الله کاشانی علاوه بر این که عضو «هیأت عالی انقلابیون» بود ، یکی از چهار عضو « کمیته عالی جنگ حکومت انقلاب » هم بود . این جنگ بیش از شش ماه طول کشید ایشان در مقابل ظلم و تعدی و استعمار، لباس رزم بر تن کرد و لحظه ای از مجاهده و تلاش در راستای احقاق حق مسلمین باز نایستاد .^۱

آیت الله کاشانی در جریان مبارزات ضد استعماری عراق در جبهه های سیاسی و نظامی بسیاری شرکت جست . مبارزات مستمر و کوبنده ایشان با انگلیس ، متجاوزان استعمار طلب را به این باور رسانیده بوده که وجود آیت الله

کاشانی بزرگترین مانع پیشرفت آنها در عراق است و لذا حکم اعدام ایشان ، غیباً از مرکز فرماندهی دشمن صادر شد و ایشان به ناچار به اتفاق « قاطع الفوادی » ، یکی از رهبران ملی عراق ، در لباس مبدل کردی ، شبانه به سوی ایران حرکت کردند و پس از راهپیمایی های شبانه و عبور از مناطق صعب العبور ، در ۲ دی ۱۲۹۹ هـ ش به مرزهای « پشتکوه » (ایلام) رسیدند ، پس از چندی به قصد تهران به سوی کرمانشاه رفتند و بعد از اقامت کوتاهی در همدان و قم در ۳۰ بهمن ۱۲۹۹ هـ ش ، سه روز قبل از کودتای رضا خان به تهران رسیدند. در خیابان پامنار ساکن شدند و مورد تجلیل و احترام مردم و اولیای امور وقت قرار گرفتند ، به دنبال روی کار آمدن رضاخان ، توسط قدرتهای بیگانه حاکم بر سرنوشت ایران ، بطور طبیعی دستورهای اربابان به تدریج به مورد اجرا گذشته شد و دیگر نه تنها از شرکت رضاخان در مجالس روضه خوانی و دسته های سینه زنی ، آنهم با پای برهنه ! خبری نبود، بلکه اصولاً تشکیل مجالس عزاداری و روضه خوانی ممنوع شد و خلع لباس علما و روحانیون بشدت و بطور فراگیر آغاز گردید و سرانجام نوبت به کشف «حجاب گردید» رسید و به بهانه «نوسازی کشور» سیاست دور ساختن ایران از اسلام و سنتهای اصیل و فرهنگ ملی ، در همه زمینه های ادامه یافت. پس از سفر رضاخان به ترکیه و دیدار تاریخی او با «آتاتورک» از سال ۱۳۱۳ هـ ش اقدامات به اصطلاح روشنگرانه در ضرورت کشف

حجاب !

برای پیشرفت کشور آغاز شد و پس از مدتی کارهای تبلیغاتی کشف حجاب و تغییر اجباری پوشش زنان و مردان! ادامه یافت که با واکنش منفی مردم و قیامهای متعدد روبرو گردید. در این میان، حادثه مسجد گوهرشاد و بهلول و در واقع قیام خراسان و کشتار جمعی مردم، در حرم مطهر امام رضا (ع) به وسیله نیروهای رضاخانی، از دیگر جریانات پر سروصدا. آیت الله کاشانی با آن روحیه مبارزاتی، در برابر تهاجم علنی رضاخانی علیه ارزشهای اسلامی سکوت نکرد و همواره در صدد مبارزه با عملکرد وی بود. استعمارگران متوجه بودند که انقلاب ۱۹۲۰ عراق به پشتوانه مبارزات مسلحانه ضد استعماری علمای اسلامی انجام گرفت و حتی رهبری عملیات نظامی را علما بر عهده داشتند و لذا بیم آن می رفت که با خطر بزرگی در خاورمیانه مواجه گردند. استعمار انگلیس که اکثر ممالک اسلامی را مستقیم و غیر مستقیم در اختیار داشت، سعی نمود جهات اسلامی مبارزه را ریشه یابی نماید و بینش اسلامی را با نیرنگ، فریب، شایعه پراکنی و حتی ایرادات به مراجع از حوزه سیاست کشورهای اسلامی دور نگاه دارد. این مسئله باعث شد روحانیون مبارزی چون آیت الله کاشانی توانسته بودند گروههای استعمارگر انگلیس را در عراق به شکست وا دارد، نتواند در شرایط سلطه دیکتاتوری رضاخان تا شهریور ۱۳۲۰ ه-ش به توفیقی دست یابد و توده های مردم را برای مبارزه با استعمارگران مجهز و مهیا نمایند. اما اینک در شرایط حذف دیکتاتور و اشغال کشور توسط اشغالگران، آیت الله کاشانی پس از آن که پدر ایشان در تهاجم انگلیس ها به شهادت رسیده بود و به علاوه خود وی نیز در واقع پس از محکومیت به اعدام در عراق از سوی نیروهای اشغالگر، به ایران آمده بود، سعی می کرد این بار آتش جنگ علیه استعمار انگلیس را در ایران بر افروزد. بنابراین انگلیسیها در صدد بودند به هر نحو ممکن او را از صحنه سیاسی ایران خارج سازند اما این روحانی مبارز، علیرغم دشواریهای موجود بر سر راه دخالت روحانیت در سیاست فعالیت خود را در راستای بیداری مردم شدت بخشید

و کم کم مبارزات او ابعاد وسیعتری به خود گرفت. ارتش اشغالگران انگلیس که جمعی به بهانه ارتباط با آلمانیها بازداشت کرده بود، در صدد بر آمد این دشمن دیرین و سرسخت خود را نیز دستگیر کنند.^۱ به همین منظور پس از ۱۳۲۰ و عزل رضاخان از سلطنت و همزمان با اشغال ایران، انگلیسیها از سهیلی نخست وزیر وقت خواستند که آیت الله کاشانی را که یکی از مخالفان سرسخت آنها بود، را تأیید کند. و به این ترتیب آیت الله کاشانی و ۱۶۴ نفر از افراد متنفذ لشکری و کشوری را که ممکن بود دردسری برای انگلیسیها ایجاد کنند، به بهانه تشکیل ستون پنجم در ایران توقیف کردند و در بیمارستان ۵۰۰ تخت خوابی تهران و اراک تحت الحفظ در آورند. وقتی آیت الله کاشانی از دستور توقیف خود آگاه شد تلگرافی به فرمانداری نظامی فرستاد و تسلیم شدن خود را موکول به شرایط اعلام کرد، اما فرمانداری نظامی از طریق درج آگاهی در جراید به وی اخطار کرد که خودش را تسلیم کند. سرانجام وی در ۲۷ خرداد ۱۳۲۳ ه. ش در «گلاب دره» شمیران دستگیر و بازداشت شد، سپس ۲۸ ماه در زندان نیروهای متفقین و نیروهای اشغالگر در رشت، اراک و کرمانشاه به سربرد^۲ در دوره چهاردهم مجلس شورای ملی هم با اینکه در تبعید بود، به نمایندگی مجلس انتخاب نشد اما به دستور ستاد ارتش متفقین، اسمش در فهرست اسامی نمایندگان مجلس حذف و به زندان روسها در رشت فرستاده شد. آیت الله کاشانی سرانجام پس از بیست و هشت ماه حبس و تبعید با پایان گرفتن جنگ جهانی دوم آزاد شد. ایشان در مدت زندان به دلیل روحانی بودن و سابقه مبارزاتی، بیشترین فشارها را از سوی نیروهای اشغالگر تحمل می کرد.

۱- سیدجلالدین مدنی، زندگینامه آیت الله کاشانی، سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی www.irdc.org ۲۰۰۷/۲/۲۱

۲- نشرمرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، همان، صفحه ۱۶